



A New Approach to the Orthography and Method of Writing of the Quran*

Seyyed Mustafa Razavi ¹

Zahid Ali Zahidi ²

Abstract

The present research studies the orthography and method of the writing of the Quran and seek to find a simple and easy method in the field of writing and orthography of the Holy Quran; A method that, in addition to avoiding the complexities of writing, is also consistent with the rules of writing, and in the shortest time, without any difficulty, can help its learners to read the Holy Quran fluently. Therefore, by collecting various narrations and many analyzes from scholars of the past and present and using the library method and analytical-descriptive processing, while finding the most efficient methods of writing, it is also searching for its legitimacy with the assistance of strong documents and sources. The current research begins with the examination of the orthography and method of the writing Quran and ends with the proposed orthography and method of the writing extracted from the existing Qurans.

Keywords: Mushaf, Quran script, Naskh and Kufi Script, Revelation Writer.

*. **Date of receiving:** 15 September 2021, **Date of approval:** 12 May 2022.

1. Lecturer and Ph.D. Scholar (Corresponding Author), mus.raz2020@gmail.com

2. Professor of Islamic Sciences, Head of the Faculty of Islamic Sciences and Education, Department of Islamic Sciences and Education, University of Karachi, Karachi, Pakistan mus.raz2020@gmail.com



رویکردی نوین در خط و رسم الخط قرآن*

سیدمصطفی رضوی^۱ و زاهدعلی زاهدی^۲

چکیده

تحقیق حاضر به مطالعه خط و رسم الخط قرآن پرداخته و در پی یافتن روش ساده و آسان در حیطه کتابت و نگارش قرآن مجید است؛ شیوه‌ای که علاوه بر دوری از پیچیدگی‌های نوشتاری، با قواعد نگارشی نیز هم‌خوانی داشته باشد و در کوتاه‌ترین زمان، بدون هیچ تکلف و دشواری، بتواند در روان‌خوانی قرآن مجید به فراگیران آن کمک شایانی نماید. بنابراین با گردآوری روایات گوناگون و تحلیل‌های فراوان از علمای گذشته و حال و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و پردازش تحلیلی - توصیفی، ضمن یافتن کارآمدترین شیوه‌های کتابت، به جستجوی مشروعیت آن به کمک مدارک و مستندات محکم نیز است. پژوهش پیش رو با بررسی خط و رسم الخط قرآن آغاز گردیده و در انتها با رسم الخط پیشنهادی که از بطن مصاحف موجود استخراج شده، پایان می‌یابد.

واژگان کلیدی: مصحف، رسم الخط قرآن، خط کوفی، خط نسخ، کاتب وحی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲.

۱. استاد و دانشجوی مقطع دکترای [نویسنده مسئول]: (mus.raz2020@gmail.com)

۲. استاد علوم اسلامی، گروه علوم و معارف اسلامی، دانشگاه کراچی، شهر کراچی، پاکستان؛ (mus.raz2020@gmail.com).

مقدمه

یکی از دغدغه‌های پیامبر اکرم ﷺ هم طراز با بی نقص بودن کلام الهی، بی عیب سازی کتابت قرآن جهت ثبت و ضبط آن بوده است به همین علت توجه و عنایت خاصی به اصحاب خود در زمینه خواندن و نوشتن به خصوص کتابت قرآن داشتند از این رو می توان گفت: یکی از اساسی ترین مباحث علوم قرآنی پس از قرائت قرآن که از دیرباز وجود داشته مباحث نگارشی قرآن مجید است. هرچند اساتید فن با تحقیق و بررسی در حیطه قرائت قرآن توانسته اند به یک جمع بندی و یکپارچگی نسبی دست یابند اما در زمینه نگارش قرآن باتوجه به تحول و تغییرات زیاد در طی ۱۴ قرن هنوز به یک نتیجه واحد و مطلوبی نرسیده اند.

آنچه که به این پژوهش اهمیت می دهد، پیروی و اطاعت از خط و مشی پیامبر اکرم ﷺ در قرائت و نگارش قرآن مجید است. پس ملاک و هدف اصلی این پژوهش در وهله اول، یافتن افراد خبره و کارشناس در حیطه نگارش قرآن مجید است به گونه ای که مورد تأیید شخص رسول اعظم ﷺ نیز باشند. در گام دوم پیروی از شیوه نگارش آنان و یا شیوه کسانی است که در این مکتب از آنان درس فرا گرفته، توانایی تشخیص راه صواب از غیر را نیز کسب نموده اند، در گام آخر و نهایی دستیابی و کشف قواعد و علائم صحیح به کاررفته در نگارش مصحف شریف، جهت تقلید و تکثیر آن است. پس کنکاش در این موضوع، نه تنها باعث آشنایی و انکشاف شیوه درست نویسی و نگارش صحیح کلام الهی در عصر پیامبر اکرم ﷺ می گردد بلکه موجب آگاهی از چگونگی تحولات و تغییرات در رسم الخط مصحف شریف (قرآن مجید) نیز می شود و در کنار آن دامنه اختیارات ما در حوزه بازنویسی و پالایش از حیث کتابت و نگارش بر اساس نیاز جامعه اسلامی مطابق با دستورات و فنون نگارش، نیز تعیین خواهد گشت. به عبارت دیگر یافتن مسیر اصلی، منطبق با ضوابط در جهت شکل دهی و ترسیم مناسب ترین روش، نیاز مبرم به کشف و تبیین حقیقت شرعی در این موضوع دارد زیرا به کمک آن است که می توان در تحقق ساده ترین متد درست نویسی، جهت روان خوانی قرآن مجید اقدام نمود.

قبل از ورود به فصول اصلی مفهوم دو واژه «رسم الخط و «مصحف» تبیین می گردد:

رسم الخط: در لغت به طرز نگارش حروف هریک از خطوط متداول در جهان گفته می شود به عبارت دیگر املا و طریقه نوشتن آن (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل رسم الخط) و اما در اصطلاح علوم قرآنی عبارت است از طرز نگارش کلمات قرآنی و شیوه ای که در کتابت قرآن به کار می رود و اینکه چه کلمه ای را به چه شکلی می نویسند (مرزبانی، ۱۳۹۵: ۷۳ و ۷۴)؛ به عبارت دیگر، خطی که به شیوه ای خاص برای کتابت قرآن در عهد نبوی به کار می رفت کتابت قرآن، رسم الخط یا دستور خط یا آیین نگارش قرآن گفته می شود.

مُصَحَّف: در لغت به معنای چیزی بوده که صحیفه‌ها در آن جمع شده است یعنی چیزی که دارای دورویه (جلد) بوده و در آن، اوراق جمع‌آوری و نگهداری می‌شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۶/۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۷۵). صُحُف جمع صحیفه است و صحیفه صفحه‌ای است که بر آن می‌نویسند (رامیار، ۱۳۶۹: ۹). واژه مصحف بعدها برای قرآن به‌کارگرفته شده است (همان، ۱۰). به‌نظر اندیشمندان نام یا اصطلاح مُصَحَّف برای قرآن، بیشتر در زمانی رواج یافت که به‌شکل امروزی‌اش تدوین شد به‌عبارتی پس از رحلت پیامبر ﷺ قرآن را یک‌جا جمع کردند و آن را مُصَحَّف نامیدند (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲۰۶۵/۲). بر اساس منابع تاریخی اهل سنت، نام‌گذاری قرآن به مصحف به زمان خلافت ابوبکر بازمی‌گردد (همان: ۲۰۶۶؛ حجتی، ۱۳۷۹: ۴۶۲). البته واژه مصحف بارها توسط پیامبر اکرم ﷺ در باره قرآن استفاده شده است.

به گواه تاریخ، رسم الخط‌های به‌کاررفته در کتابت قرآن مجید در آغاز مصحف‌نویسی میان کاتبین وحی متفاوت بوده و همچنین خط قرآن در ادوار مختلف، دست‌خوش تحولات مختلفی قرار گرفته و در هر دوره و زمانی با شکل‌های گذشته آن تفاوت داشته است. در این مطالعه، تحولات و تغییرات در سه دوره: صدر اسلام (از آغاز مصحف‌نویسی تا پایان نشر مصحف امام)، میانی (دوران مابین صدر اسلام و معاصر) و معاصر (حدود یک قرن اخیر) بررسی می‌شود. غرض نهایی از تحقیق و کنکاش در این موضوع، آگاهی‌یافتن از چگونگی کتابت مصحف‌النبی ﷺ و یا روش کتابت قرآن در عصر نبوی است تا ضمن تبعیت از آن، که در حقیقت تبعیت از روش کتابت پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد، دامنه اختیارات کاتبین قرآن در حوزه بازنویسی و یا پالایش آن، بر اساس نیاز امت اسلامی مطابق با دستورات و فنون نگارشی مشخص گردد.

الف. دوره اول: صدر اسلام

حذیفه بن یمان نقل کرده که از پیامبر ﷺ شنیده است که فرمود: «اقرأوا القرآن بالحن العرب» قرآن را با لحن‌های عرب قرائت کنید و در روایتی دیگر آمده: «بلحون العرب و اصواتها و اياکم و لحن اهل الفسق و اهل الكتابین» با لحن‌ها و صداها و اصوات عرب بخوانید و از لحن‌های اهل فسق و یهود و نصاری بر حذر باشید (الحمد غانم قدوری، ۱۳۷۶: ۲۰۰).

با در نظر گرفتن قرآن‌های موجود می‌توان به مجازبودن قرائت‌های مختلف قرآن با لهجه‌های رایج عربی از یک‌سو و عدم ممانعت پیامبر اکرم ﷺ از به‌کارگیری رسم الخط‌های گوناگون در کتابت قرآن



کریم از سوی دیگر پی برد. باقلانی معتقد است: در قرآن، سنت، اجماع امت و قیاسات شرعی، هیچ دلیلی بر اینکه رسم الخط قرآن و ضبط المصحف باید به شیوه‌ای خاص باشد، وجود ندارد؛ بلکه سنت بر جایز بودن نگارش قرآن به هر شیوه‌ای که آسان‌تر است، دلالت دارد؛ زیرا رسول خدا ﷺ صحابه را مأمور کتابت قرآن کردند، اما روش خاصی را تعیین نکردند؛ از این رو خطوط مصاحف مختلف شد، برخی کلمات را بر اساس مخرج لفظ می‌نوشتند و برخی چیزی را از آن می‌کاستند یا به آن می‌افزودند؛ زیرا می‌دانستند رسم الخط یک امر قرار دادی است. بنابراین جایز است قرآن را بر اساس حروف الفبای خط کوفی و خط اول بنویسیم و لام را مانند کاف و الف‌ها را مایل بنگاریم. هرکس و هر گروهی می‌تواند طبق آیین نگارشی که میان خودشان متداول است، قرآن را کتابت کند هر روش که آسان‌تر و مشهورتر است، مورد قبول مردم قرار می‌گیرد. چون خط نشانه‌ای از قرآنت است؛ هر خطی که بتواند قرآنت قرآن را به شکل صحیح فراهم آورد، نگارش قرآن با آن خط جایز است (زرقانی، ۱۹۴۳: ۴۸۰/۱). بر همین اساس رسم الخط‌های به‌کاررفته در مصاحف شریف در مقایسه با هم و از حیث به‌کارگیری توسط کاتبان خاص و عام، به کتابت‌های منظور و مقبول قابل تقسیم است.

۱- کتابت منظور

این روش از کتابت در واقع تنها میان کاتبان خاص معمول بوده است. از زید بن ثابت نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هرگاه بسم الله الرحمن الرحيم را می‌نگاری سین را واضح و روشن بنویس (دندانه‌های سین را مشخص نما)» (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۰/۲۴۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۴/۳۷۱). ابن عباس می‌گوید: «رسول خدا فرمود: تا دندانه‌های سین را بلند و برافراشته ننوشتی بسم الله را به میم وصل نکن» (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۷۹). در تعلیمی دیگر فرموده‌اند: «باء بسم الله را کشیده و بلند بنگار، دندانه‌های سین را مشخص بنویس و میم را کور و توپر بنویس» (همان: ۴/۳۷۱). و یا روایت شده «هاء در کلمه الله را توپر و کور ننویسید» (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۰/۲۴۶). همچنین در زبان و رسم الخط رایج عربی، کلمه «مصیطر» و «صراط» با سین نوشته می‌شده است، اما پیامبر اکرم ﷺ امر نمودند تا این دو کلمه در رسم الخط قرآن به صاد نوشته شود (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۱۲/۱). همچنین می‌توان به نامه‌هایی که پیامبر اکرم ﷺ به پادشاهان آن زمان (هرقل قیصر روم، کسری پادشاه فارس، نجاشی پادشاه حبشه، مقوقس پادشاه اسکندریه، منذر بن ساوی العبدی پادشاه بحرین و غیره) جهت دعوت آنان به اسلام ارسال می‌نمودند، اشاره کرد که از ویژگی‌های نوشتاری آن، کتابت فتحه بلند (الف) در وسط کلمات، مانند: الکتاب، سلام، ساوی، اقام، الاسلام، القاه، الموالاه، تعالوا، اربابا، طاعته و همچنین حذف حمزة وصل از کلمه ابن در عیسی بن مریم می‌باشد.

با همه این حرف‌ها، کتابت مصحف شریف با این روش (کتابت منظور)، پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ به دلایلی عمومیت پیدا نکرد و امروزه به جز روایات اندک، اطلاع چندانی از آن در دست نیست تا به شیوه دقیق آن نزدیک شد. ابن جزری کلبی می‌گوید: اگر مصحف علی پیدا می‌شد در آن علم زیادی بود، ولی پیدا نشد (ابن جزری، ۱۴۱۶: ۴/۱). درباره مصحف علی آمده است که آیات و سوره‌های آن عیناً مانند همین قرآن بوده با این تفاوت که ترتیب دقیق نزول و آیات و سوره‌ها رعایت شده بود و سیر نزول آیات روشن بود. این مصحف بر طبق قرائت پیامبر بود و اختلاف قرائت در آن راهی نداشت (بلاغی نجفی، بی تا، ۲۵۷/۱). و خود حضرت به این مطلب اشاره نمودند که آیه‌ای بر پیامبر نازل نشد مگر اینکه پیامبر آن را بر من خوانده و املا می‌فرمود و من آن را با خط خود می‌نوشتم و نیز تفسیر و تأویل و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه هر آیه را به من آموخت (بحرانی، ۱۳۳۴: ۱۶/۱). در نتیجه با تلاش و کنکاش بیشتر در میان روایات و مستندات تاریخی می‌شود به مصحفی با کتابت منظور یعنی مصحف‌النبی، دست یافت.

۲- کتابت مقبول

هر رسم الخطی که در کتابت مصحف شریف به کار رود به گونه‌ای که پیامبر اکرم ﷺ با آن مخالفتی ننماید، یا مورد قبول و پذیرش ایشان واقع شود به تحقیق در جرگه کتابت مقبول قرار می‌گیرد، همان طوری که هر قرائتی از پیامبر اکرم ﷺ شنیده شود و یا ایشان قرائتی را تأیید نمایند، به آن قرائت صحیح گفته می‌شود. در واقع کتابت مقبول سبکی آزاد در کتابت مصحف شریف به شمار می‌آید. کتابتی که تمامی رسم الخط‌های متداول آن زمان، مانند رسم الخط قیاسی و اصطلاحی را در بر گرفته است. بنابراین، چه در دوران حیات پیامبر اکرم ﷺ و چه پس از وفات ایشان با انواع مصحف‌هایی که به روش مقبول، نگارش یافته روبه‌رو می‌شویم، البته این روش رفته‌رفته در گذر زمان رواج و در شکل‌های مختلفی گسترش یافت. جهت آشنایی بیشتر، به انواع رسم الخط‌های به کار رفته در کتابت قرآن مجید اشاره می‌شود.

نوع اول: رسم الخط قیاسی

رسم الخط قیاسی یا رسم الاملاء به کتابتی گفته می‌شود که کلمات بر اساس تلفظ آن نوشته شود و موافق قواعد نوشتاری نیز باشد، به طور مثال کلماتی چون: مِنْ مَنْ، مِنْ ما، عَنْ ما، ان ما، آن لا، آن لن و آن لو، بنا بر موافقت آن با تلفظش به صورت مَمَّنْ، مَمَّا، عَمَّا، اَمَّا، اَلَّا، اَلْن و اَلُو، نوشته می‌شود و کلمه



إذا، بنا بر رعایت قواعد نوشتاری به صورت نِذَا (واقعه: ۴۷) نوشته می‌شود، زیرا الف (الف صامت یا همان همزه) در ابتدای کلمه واقع شده و بر اساس قاعده نوشتاری می‌بایست از الف آغازی (ن)¹ در ابتدای کلمه استفاده شود نه از الف جدا (أ). همچنین مواردی که مربوط به اثرپذیری یک حرف از حرف مجاور است و کاتب هم آن را مطابق تلفظ می‌نویسد، موردی است که سین و طاء در یک کلمه کنار هم قرار بگیرند، در آن لحظه سین به صورت صاد ادا می‌شود. مبرد می‌گوید: وقتی حرف سین همراه با یکی از حروف مستعلیه باشد جایز است که آن را قلب به صاد کنند و هرچه به آن حروف نزدیک‌تر باشد قلب لازم‌تر است. نحوی‌ها نیز اجازه داده‌اند هر حرف سین که بعد از آن غین یا خاء معجمه و یا قاف و یا طاء واقع شود تبدیل به صاد گردد، به همین علت در مصحف عثمانی بعضی از کلمات مطابق تلفظ، با صاد نوشته شده است؛ از جمله: کلمه المصیطرون در سوره طور (۵۲/۳۷) و بمصیطر در سوره غاشیه (۱/۸۸)، ییصط (۲۴۵/۲)، بصطه (۶۹/۷)، کلمه الصراط و غیره؛ بنابراین، با وجود لهجه‌ها و گویش‌های مختلف عربی، واژه‌ها نیز تحت تأثیر قرار گرفته به اشکال مختلف کتابت می‌شوند. به نمونه‌های زیر توجه نمایید:

لهجه اهل هذیل: تلفظ کلمه عتی عین، به جای کلمه حتی حین (تلفظ حرف عین به جای حرف حا). ابن حجر نقل می‌کند که عمر بن خطاب بر ابن مسعود قرائت (عتی حین) را که همان (حتی حین) است خرده گرفت و به او نوشت، قرآن با لهجه قبیله هذیل نازل نشده است. مردم را به خواندن با لهجه قریش وادار کن نه با لهجه هذیل (قدوری، ۱۳۷۶: ۹۷).

لهجه اهل حیره: تلفظ حرف واو در کلماتی چون الصلوة، الزکوة، الغدوة، الحیوة، المشکوة، الربو، به جای فتحه بلند (الف) از لهجه‌های مرسوم اهل حیره بوده که بعدها این شیوه کتابت به حجاز منتقل شده است هرچند اهل حجاز به صورت الف تلفظ می‌کردند (الصلاه، الزکاه، الربا و غیره).

صولی می‌گوید: علت اینکه کلمات الصلوة و الزکوة و الغدوة و الحیوة و المشکوة و الربو، با واو نوشته شده در حالی که باید مطابق تلفظ با الف نوشته می‌شد این است که اهل حجاز کتابت را از اهل حیره یاد گرفته‌اند و اهل حیره تلفظ خاصی داشتند که کتابت آنها نیز بر طبق آن تلفظ بوده و هنگام

۱. الف آغازی (ف) = رِئَاءَ النَّاسِ (نساء: ۳۸)، مَائِدَه (مائده: ۱۱۲). البته الف به دوشکل صامت و مصوت نوشته می‌شود همانند حروف مدی یاء و واو در اینجا مراد ما شکل صامت آن است و همیشه با علامت (ء) می‌آید.

الف میانی (م) = جَنَّتْ (بقره: ۷۱)، خَاسِئِینَ (بقره: ۶۵).

الف پایانی (أ) = لَسِبَّا (سبا: ۱۵)، بَنِبَّا (حجرات: ۶).

الف جدا (ا) = أَوْ أَمِنْ أَهْلُ (اعراف: ۹۶)، أَحَدُ (اخلاص: ۶۵).

انتقال کتابت از حیره به حجاز اهل حجاز صورت‌های کلمات را به همان شکلی که کاتبان حیره می‌نوشتند حفظ کردند. به عبارت دیگر، از آنجا که نگارش عربی طبق نظر صحیح از کتابت نبطی سرچشمه گرفته است، احتمال دارد که بسیاری از کلمات همان صورت‌های نبطی قدیمی خود را حفظ کرده باشند، با اینکه در تلفظ جدید در لغت عربی جور دیگر تلفظ می‌شود و به احتمال قوی نوشتن کلمه با واو در مصحف عثمانی بقایای صورت‌های نبطی قدیمی است (همان: ۳۰۶-۳۰۴) مشابه این اتفاق را می‌توان در کلمات فارسی چون خواهش، خوار، خواب و غیره نیز مشاهده نمود، یعنی زمانی واوها (واو معدوله) در این کلمات تلفظ می‌شده است اما رفته‌رفته تحت تأثیر لهجه غالب قرار گرفته، از تلفظ افتاده‌اند هرچند در کتابت، همانند سابق نوشته می‌شوند.

کتابت و تلفظ حروف هم‌جنس: کتابت و تلفظ حروف هم‌جنس نیز در مناطق مختلف، همانند لهجه‌ها متفاوت بوده است، بنابراین باتوجه به مصاحف می‌توان به دو گونه آن در تلفظ و سه شکل آن در نوشتار اشاره نمود. به طور مثال کلمه *يَرْتَدُّ* در آیه یا *اِيَّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا* من یرتدد منکم عن دینه (مائده ۵۴/۵) باتوجه به مصاحف اهل مدینه با دو دال (فک ادغام) نوشته شده است، در صورتی که همین کلمه در مصاحف اهل عراق با ادغام دو دال البته با حذف یکی از دو حرف هم‌جنس به صورت *يَرْتَدَّ* آمده است و در شکلی دیگر از ادغام، بدون حذف حرف هم‌جنس یعنی مدغم و مدغم فیه در کنار هم نوشته شده است مانند: *لَقِيَ عَلِيَّيْنِ* (سوره ۸۳ آیه ۱۸)، *فِي الْأُمِّيَّيْنِ* (سوره ۶۲ آیه ۲) و در کلماتی چون *اللعن، اللعنه، اللغو، اللطيف* و غیره نیز قابل مشاهده است.

در مورد اداء و قرائت این کلمات که در مصاحف با چند وجه نوشته شده‌اند، باید گفت تأمل در کیفیت پیدایش قرائت‌ها نشان می‌دهد که قاریان هر شهری از شهرهای اسلامی، قرائتی را که از صحابه گرفته بودند به گونه‌ای نقل کرده‌اند که با خط مصحف شهرشان مطابق بوده و غالباً قرائت هر پیشوای قرائتی با مصحف شهر او مطابقت داشته است (همان، ۶۵۰). مالک می‌گوید: ادغام مجزوم لغت بنی تمیم است و لذا در قرآن اندک می‌باشد مانند، ادغام در *﴿وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ﴾* (انفال: ۱۳) و در *﴿وَمِنْ يَرْتَدُّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ﴾* (مائده: ۵۴) ولی فک ادغام لغت اهل حجاز و لذا در قرآن بسیار است؛ مانند: *﴿لِيُمْلِلَ﴾* (بقره: ۲۸۲)، *﴿يُحِبُّكُمْ اللَّهُ﴾* (آل عمران: ۳۱)، *﴿اَشْدُدْ بِهِ أَزْرِيَ﴾* (طه: ۳۱)، *﴿وَمَنْ يَخْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي﴾* (طه: ۸۱) (سیوطی، ۱۳۶۰: ۱۰۳/۲).



نوشته شدن نون تنوین: کلمه کائین در قرآن هفت بار تکرار شده (سوره ۳ آیه ۱۴۶، سوره ۱۲ آیه ۱۰۵، سوره ۲۲ آیه ۴۸، سوره ۲۹ آیه ۶۰، سوره ۴۷ آیه ۱۳، سوره ۶۵ آیه ۸). اما نون تنوین نه حذف شده و نه موافق با حرکت ماقبل آمده است. در مورد نوشتن نون تنوین در کلمه إذا (اذن) نیز میان علما اختلافی است. سیوطی می گوید: نظر همگان بر این است که اذن در حال وقف با الف می آید و قراء بر آن اجماع کرده اند (سیوطی، ۱۳۶۰: ۱۵۴/۲). ولی دانشمندان علوم عربی هنگامی که خواستند اصول قواعد هجا را از رسم عثمانی اخذ کنند، در اینکه این کلمه با نون یا با الف نوشته شود، اختلاف کردند (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۲۰: ۲۵۴) جماعت اهل رسم کتابت آن را با الف و جماعت نحوی ها کتابت آن را با نون آوردند.

بکار بردن الف به جای یاء: گاهی در قرآن کلماتی چون «لَدَاالباب» (لدى الباب) (سوره ۱۲، آیه ۲۵) و رَأَى الشَّمْسَ (رأى الشمس) به جای یاء با الف آمده است. پیروی از تلفظ در کتابت کلماتی که فتحه بلند آنها با یاء نوشته شده، در مصحف تاشکند و مصحف جامع عمروعاص شایع است؛ بنابراین کلماتی مانند: «هدی»، «بغی»، «مضی»، «اربی»، به صورت: «هدا»، «بغا»، «مضا» و «اربا» آمده؛ یعنی به جای یاء با الف نوشته شده و نیز دو کلمه «حتی» و «علی» در موارد زیادی به صورت «حتا» و «علا» نگارش یافته است. (قدوری، ۱۳۷۶: ۲۲۵) به نظر می آید چنین روشی در نوشتن این کلمات که تابع تلفظ شده است، به دست کاتبان انجام گرفته و ما اثر آن را در پارچه های نوشته شده عربی به وفور می بینیم (این پدیده منحصر به مصاحف و پارچه نیست بلکه آن را در سنگ نوشته ای که کلمه «علی» را به صورت «علا» نوشته است، مشاهده می کنیم. این سنگ نوشته در کنار سنگ نوشته سد طایف که به سال ۵۸ قمری مربوط است، پیدا شده است) (همان: ۲۸۱-۲۸۰).

کلمه الله: پژوهشگران کتبیهای یافته اند که بر آن نقش الله، بدون حذف الف، به صورت آلاه یا الله (الله) نوشته شده است (در خط کوفی، الف یا همزه به صورت لا نوشته می شده است که بعد از تغییر خط، لام الف خوانده شد. این حرف ل (الف) در کلمه الله که در خط کوفی به صورت، الله (ل، ل، ل، ه = ا، ل، ل، ل، ا، ه = آلاه = الله) نوشته شده دوبار به کار رفته و محو و حک آن به آسانی ممکن نبوده است؛ به همین جهت در کلیه کتب تجوید و غیره در موضوع این حرف مطالب مهمی نوشته اند که دلیل بر حیرت مؤلفین در حل اشکال است (اعتماد مقدم علیقلی، ۱۳۴۳: ۱۵-۱۹).

نوع دوم: رسم الخط اصطلاحی

رسم الخط اصطلاحی به کتابتی گفته می شود که مانند رسم الخط قیاسی نباشد؛ بنابراین در این رسم الخط ممکن است کتابت کلمه نسبت به لفظ، محذوف یا زائد باشد و یا از نظر وصل و فصل با

هم تفاوت کند. به عبارت دیگر، کتابت در این رسم الخط نسبت به تلفظ، جایگاهی ثابت دارد در حالی که تلفظ آن هنگام قرائت، متفاوت است. به طور مثال: کلمات «مِنْ مَا»، «مَنْ يَعْمَل» و «مِنْ بَعْد» هنگام قرائت، «مِمَّا» (مِمَّ مَا)، «مَنْ يَعْمَل» (مَنْ يَعْمَل)، «مِمَّ بَعْد»، تلفظ می شود و یا عبارت «الرَّحْمَنِ الرَّحِيم» به صورت «أَرْحَمَنِ رَحِيم» (أَرْحَمَانِ رَزَحِيم) تلفظ می شود یعنی در کلمه اول حرف لام و در کلمه دوم الف و لام از تلفظ می افتد در حالی که کتابت آن بر حالت خود باقی است. در قرآن مجید این گونه کلمات بسیار آمده است به طور مثال: گاهی اصحابٌ لئیکه به صورت اصحابُ الاَیکه (حجر: ۷۸) کتابت شده و یا کلمه عَبَدْتُمْ (کافرون: ۴) به لهجه فصیح عربی به شکل عَبَّتُمْ تلفظ می گردد، زیرا اعراب هنگام برخورد حرف دال با حرف تاء معمولاً حرف دال را پس از تبدیل به تاء در هم ادغام می نمایند اما در رسم الخط اصطلاحی کلمه عَبَدْتُمْ بدون تغییر، کتابت می شود.

فراء می گوید: به ما خبر رسیده است که در نامه علی بن ابی طالب چنین نوشته شده بود: «هذا الكتاب من علی بن ابوطالب» که در کتاب، ابو نوشته شده ولی وقتی آن را می خوانی با اعراب خودش می خوانی، فراء در اینجا اشاره می کند که بعضی از صورت های هجایی کلمات بر یک هیئت معینی هستند ولی وقتی در موقعیت اعراب خاصی قرار می گیرند، به مقتضای اعراب و مخالف با رسم کلمه تلفظ می شوند. (قدوری، ۱۳۷۶: ۶۴۵).

نوع سوم: رسم المصحف

در حقیقت رسم المصحف یا رسم الخط عثمانی، تلفیقی از تمامی شیوه ها و رسم الخط های رایج آن زمان از جمله رسم الخط های قیاسی و اصطلاحی است که در مجموعه واحدی بنام مصحف امام، گردآمده است و چون در زمان خلافت عثمان و به دستور ایشان نگارش یافت، به رسم الخط عثمانی معروف گردید. این رسم الخط هر چند به دنبال اقدامات اصلاحی، جهت یکسان سازی قرائت های مختلف قرآن، توسط اصحاب پدید آمد، نتوانست رضایت کامل خلیفه را برانگیزد؛ زیرا در آن غلطی را مشاهده نمود که هر عربی به زبان خود می توانست آن را به نحو صحیح تلفظ کند. به اعتقاد عثمان، چنانچه املا کننده از هذیل و نویسنده از ثقیف می بود، چنین غلطی در آن پیدا نمی شد. ثعلبی در تفسیر خود، ذیل آیه، ﴿ان هذان لساحران﴾، می گوید: «در این مصحف غلطی است که هر عربی به زبان خود، صحیح آن را ادا می کند» (معرفت، ۱۳۸۱: ۷۷) این شیوه نگارش، چون تلفیقی از رسم الخط های مختلف است، مصحف شریف را با عدم یکپارچگی در رسم الخط و ناهماهنگی های نگارشی، مواجه ساخته است. به نمونه کتابت های مختلط در قرآن مجید به رسم عثمانی (رسم المصحف) توجه نمایید:



ثَدَا (واقعه: ۴۷) قیاسی = إِذَا (نصر: ۱) اصطلاحی
يَسْتَخْرُونَ (یونس: ۴۹) قیاسی = يَسْتَأْخِرُونَ (اعراف: ۳۴) اصطلاحی
أَصْحَابُ لُيْكَه (شعرا: ۴۹) قیاسی = أَصْحَابُ الْأَيْكَه (حجر: ۷۸) اصطلاحی
قَالَ يَبْنُوم (طه: ۹۴) قیاسی؛ قَالَ ابْنُ أُم (اعراف: ۱۵۰) اصطلاحی
عَمَّا (انعام: ۱۰۰) قیاسی = عَنْ مَا (اعراف: ۱۶۶) اصطلاحی
إِنَّ مَا (انعام: ۱۳۴) قیاسی = إِنَّمَا (ذاریات: ۵) اصطلاحی (واژه‌های آن و ما، موصوله که طبق قاعده باید جدا از هم باشند، مانند آیه إِنَّ مَا تَوَعَدُونَ لَا ت، در حالی که آیه إِنَّمَا تَوَعَدُونَ لَا ت، به صورت متصل نوشته شده است).

لِلَّذِينَ (آل عمران: ۱۲) قیاسی = لِ لَّذِينَ (معارج: ۳۶) اصطلاحی (حروفی که باید به صورت متصل باشند، ولی منفصل و جدا از هم نوشته شده‌اند مانند، واژه لَا جاره که طبق قاعده باید متصل به کلمه بعدی باشد مانند آیه، قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا، در حالی که در آیه، فَمَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا، به صورت منفصل نوشته شده است علی حبیبی، ۱۳۸۶: ۷۱).

طَعَا (حاقه: ۱۲) قیاسی = طَغَى (نازعات: ۱۷) اصطلاحی
نِعِمَّتَ اللَّهُ (ابراهیم: ۳۴) قیاسی = نِعْمَةَ اللَّهِ (نحل: ۱۸) اصطلاحی
بِظَلَام (حج: ۱۰) قیاسی = بِظُلْم (آل عمران: ۱۸۲) اصطلاحی
لَتَّخَذَتْ (کهف: ۷۷) قیاسی؛ لَا تَتَّخِذُوك (اسراء: ۷۳) اصطلاحی
يَبْصُط (بقره: ۲۴۵) قیاسی = يَبْسُط (اسراء: ۳۰) اصطلاحی
فَالَمْ يَسْتَجِيبُوا (هود: ۱۴) قیاسی = فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا (قصص: ۵۰) اصطلاحی
آیه الْمُؤْمِنُونَ (نور: ۳۱) قیاسی؛ آیهَا النَّبِيُّ (احزاب: ۵۹) اصطلاحی

به طور مثال: با توجه به رسم الخط‌های مذکور چنانچه بخواهیم آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را از رسم الخط عثمانی و اصطلاحی به رسم الخط قیاسی برگردانیم می‌بایست این گونه بنویسیم: «بِسْمِ لِّلَّهِ رَزَحْمَانِ رَزَحِيمِ»، کلمه «بسم»، چون از اول به صورت قیاسی نوشته شده است لذا بدون تغییر به همان شکل نوشته می‌شود و اما در کلمه «الله»، چون در خط کوفی با حذف الف مواجه شده است به جهت نیاز لفظی، الف آن بازگردانده می‌شود، در کلمه «الرحمن» یکی از دو حرف «راء» و حرف «الف» از میان کلمه حذف شده است لذا آن دو حرف نیز بازگردانده می‌شود. در کلمه «الرحيم»، «راء» محذوف به جای خود بازگردانده می‌شود. همچنین سوره حمد را نیز باید این گونه نوشت: «تَلْخُذُ لِّلْأَلِ رَبِّبِ لَعَالَمِينَ * تَرَزَحْمَانِ رَزَحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ دِينِ * يُّيَاكَ نَعْبُدُ وَ يُّيَاكَ نَسْتَعِينُ * يُّهْدِنَا صِرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ * صِرَاطَ الَّذِيْنَ نَنُوعِمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَضَّالِّينَ»

رسم الخط عثمانی (رسم المصحف) پس از انتشار در بلاد شرق و غرب اسلامی بی تغییر نمانده دچار تحولات اساسی گشت و به مرور زمان در قالب نسخه‌های مختلف، با قلم‌های گوناگون ارائه گردید. از اساسی‌ترین تغییر در رسم المصحف را می‌توان به نقطه و اعراب‌گذاری آن اشاره نمود. کتابت قرآن در آغاز، چون خالی از هر نوع علائم بود قرائت قرآن را با مشکل روبه‌رو ساخت، به همین علت ابوالاسود دؤنلی یکی از شاگردان علی ابن ابی طالب علیه السلام به خواست حاکمان وقت، رسماً از نقطه جهت اعراب‌گذاری قرآن استفاده نموده باعث گردید تا مقداری از مشکل صحیح خوانی قرآن کاسته شود. مدتی بعد دو تن از شاگردان وی به نام‌های نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر علاوه بر نقطه اعراب که با رنگ قرمز شناخته می‌شد نقطه اعجام را که به رنگ مشکی بود به آن اضافه نمودند، سپس رنگ‌های زرد یا لاجوردی را برای تشخیص همزه یا الف، واو و یایی که به صورت همزه خوانده می‌شدند، به کار بستند و بالاخره از نقطه سبز برای تمییز دادن همزه وصل در ابتدای کلمه استفاده نمودند. این نوع اعراب‌گذاری چون با کاستی‌هایی همراه بود خلیل بن احمد فراهیدی را به تعدیل و تنظیم آن واداشت و جهت رفع کاستی‌ها، دست به ابداعات نوینی زد، بدین گونه که در گام نخست نقطه‌ها را به اعجام اختصاص داد و در گام بعدی علائم اعراب را از حالت نقطه خارج ساخته به شکل امروزی طراحی نمود سپس علائم دیگری چون تشدید، مد، سکت و غیره را به کتابت قرآن افزود. این شیوه از علامت‌گذاری نه تنها در صحیح خوانی قرآن مثمر ثمر بود بلکه توانست در ترتیل و هماهنگ خوانی آیه‌های قرآنی، کمک شایانی به قارئین بنماید. در حقیقت این شیوه با توجه به ریتم و ملودی خاص در ترتیل، زمینه شکل‌گیری اولین آوانویسی و یا آهنگ‌نویسی (نت‌نویسی) در کتابت قرآن گردید. این شیوه علاوه بر مقبولیت میان مسلمانان، قرن‌ها بعد دست‌مایه موسیقی‌دانان غربی گردید. لذا آهنگ‌نویسان غربی نیز جهت ثبت و ضبط قطعات موسیقی به اقتباس از این روش پرداخته در نهایت با ترکیب علامت‌هایی چون سکون، الف و مد ($\text{O} + \text{I} + \text{~} = \text{L}$) نت موسیقی را طراحی نمودند.

وجه مشترک میان نُت موسیقی و اعراب، مقدار کشش صوتی است، با این تفاوت که نت موسیقی بر روی خط حامل، جایگاه و محل نواخت (سل، لا، سی، دو، ر، می، فا) (نت موسیقی (فرانسوی و انگلیسی) را مشخص می‌نماید در صورتی که اعراب، وضعیت و چگونگی شکل دهان (فتحه= امتداد صدا رو به بالا با دهانی کمی باز، کسره= امتداد صدا رو به پایین با دهانی کمی باز، ضمه= امتداد صدا رو به جلو و دهان به صورت غنچه) هنگام تلفظ حروف را ترسیم می‌نماید. به عبارتی مقدار واحد کشش صوتی در اعراب و نُت موسیقی هرچند با هم برابر است منتهی مبنای سنجش و میزان کشش صوتی در

آن دو با هم متفاوت است، مثلاً: در اعراب، ملاک سنجش فتحه (-) می باشد که برابر با یک حرکت است ولی در موسیقی، ملاک، نُت گرد (○) است و آن، برابر چهار ضرب می باشد، بدین معنا که مقدار کشش صوتی در علامت ساکن (○) نصف یک حرکت (○/۵). فتحه) معادل نُت چنگ (♩ = ۵/۱. ضرب) و علامت فتحه (-) برابر یک حرکت (۱ فتحه) معادل نت سیاه (♯ = ۱ ضرب) و علامت الف (۱) برابر دو حرکت (۲ فتحه) معادل نُت سفید (♭ = ۲ ضرب) و علامت الف مد (آ) برابر چهار حرکت (۴ فتحه) معادل نُت گرد (○ = ۴ ضرب) در موسیقی می باشد. پس یکی از ویژگی های مشترک این چهار علامت، در نوشته های قرآنی و نوشته های موسیقی بیان مقدار کشش صوتی است. علائم و میزان کشش صوتی در موسیقی به شکل تصویر ذیل است:

نشان سکوت	نسبت یا سیاه	تعداد ضرب	نشان	نام
—	♩ = ♩ = ♩ = ♩ = ○	۴	○	گرد
—	♩ = ♩ = ♩ = ♩ = ♩	۲	♩	سفید
♯	♩ = ♩ = ♩ = ♩ = ♩	۱	♯	سیاه
♩	♩ = ♩ = ♩ = ♩ = ♩	۱/۴	♩	چنگ

به طور مثال:

— ۵ — م = ۵/۱. حرکت (♩ = ضرب)

— م = ۱ حرکت (♩ = ضرب)

— مآ = ۲ حرکت (♩ = ضرب)

— مآ = ۴ حرکت (○ = ضرب)

— س (سکت) = ۱ حرکت (♩ = ضرب)

در نتیجه: با یک جمع بندی کلی می توان گفت، اولاً: اکثر قرآن های موجود، از نوع کتابت مقبول و توسعه یافته همان رسم المصحف می باشد که از رسم الخط های قیاسی و اصطلاحی ترکیب یافته است. ثانیاً: آیات قرآن مجید در این دوره به دو خط رایج، یعنی خط نسخ قدیم (با ریشه ای نبطی) و خط کوفی قدیم (برگرفته از خط مسند) نوشته شده است (الزنجانی، ۱۴۰۴: ۳۳). ثالثاً: از دیگر خصوصیات بارز این دوره، می توان به نقطه دهی و اعراب گذاری نوشته های قرآنی اشاره نمود.

دوره دوم: دوره میانی

در این دوره از حیث رسم الخط، تغییر قابل ذکر مشاهده نمی شود زیرا همانند گذشته، در کتابت مصحف شریف از رسم الخط عثمانی (رسم المصحف) استفاده شده، اما خط های آن از کوفی قدیم و

نسخ قدیم به کوفی جدید و نسخ جدید تغییر یافته است. در زیباسازی و قانونمندسازی خط‌ها نیز گام‌های مهم و نوینی نیز برداشته شده است. در حقیقت قرآن از صدر اول، به‌خصوص از ناحیه کتابت و زیبایی خط، با گذشت زمان سیر تکاملی داشته است. خطاطان بزرگ، در زیبایی قرآن و تکمیل خط آن، سهم به‌سزایی داشته‌اند. نخستین کسی که در راه تکمیل کتابت مصحف و زیبایی خط آن قدم برداشت، خالد بن ابی‌الهیاج از اصحاب امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام بود که در حدود سال صدم هجری درگذشته است. خطاطان تا اواخر قرن سوم هجری مصحف‌ها را با خط کوفی می‌نوشتند. تا اینکه در اوایل قرن چهارم، خط زیبای نسخ (نسخ جدید) به‌دست خطاط معروف محمد بن علی بن الحسین بن مقله نوشته شد و اندک‌اندک این خط جایگزین خط کوفی گردید. خط نسخ عربی در قرن هفتم هجری، به‌دست یاقوت بن عبد الله موصلی به حدّ اعلای کمال خود رسید. او با خط زیبای خود هفت مصحف نوشت. این مصحف‌ها با انواع خطوط نوشته شده بود و پیشوای دیگر نویسندگان قرار گرفت. کلیه مصحف‌ها تا قرن یازدهم هجری بر شیوه خط یاقوت نوشته می‌شد. در اول قرن دوازدهم ترک‌های عثمانی، به‌خصوص پس از فتح مصر به‌دست سلطان سلیم، خط عربی اسلامی را موردتوجه قرار دادند، سلطان سلیم تمام خطاطان، نقاشان و هنرمندان را در پایتخت خود گردآورد. اینان انواع جدیدی از خطوط عربی، مانند خط رقیعی، خط دیوانی، خط طغریایی و خط اسلامبولی را پدید آوردند که همچنان در نوشته‌ها متداول است. ابوبکر ممتازبیک مصطفی افندی، یکی از خطاطان عثمانی است که در زمان سلطان عبدالمجید خان می‌زیست، وی خط رقیعی را اختراع نمود و قواعد این خط را وضع نمود و برای اولین بار با این خط کتابت نمود این خط از سهل‌ترین و ساده‌ترین خطوط عربی است (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۶).

دوره سوم: دوره معاصر

این دوره را نیز می‌توان از حیث به‌کارگیری رسم‌الخط عثمانی (رسم‌المصحف) ادامه‌دهنده دوره‌های پیشین دانست، با این تفاوت که خط‌ها نسبت به گذشته متنوع‌تر گشته و اعراب‌گذاری‌ها، در گونه‌های مختلفی دیده می‌شود، به طوری که در هریک از بلاد اسلامی، حالت منسجم و هماهنگ به‌خودگرفته به‌سبک و رسم‌الخط خاص آن خطه معروف گردیده است که در پنج نسخه مشهور قابل مشاهده است.



۱. نسخه شبه قاره: این شیوه در کشورهای جنوب آسیا رایج است؛ مانند: پاکستان، هند، بنگلادش، افغانستان و استان های شرق ایران مانند سیستان و بلوچستان، شرق خراسان، هرمزگان و بعضی مناطق دیگر. در این شیوه، مثلاً: روی صداهای (ای) و (او) علامت سکون نوشته شده است.
 ۲. نسخه مصری: این شیوه در کشور مصر و دیگر کشورهای عربی رایج بوده و در سال های اخیر در ایران نیز بسیار متداول شده است. در این شیوه، قبل از حرکات کشیده، حرکات کوتاه نیز نوشته می شود.
 ۳. نسخه ترکی: این شیوه بیشتر در ترکیه رایج است اما در سایر کشورهای اسلامی نیز استفاده می شود. در این شیوه گاه قبل از صدای «آ» فتحه و گاه الف کوچک آمده است. بسیاری از علائم نیز در جای خود قرار نگرفته و نابه جا نوشته شده اند.
 ۴. نسخه ایرانی: این شیوه معمولاً در ایران متداول است. در این شیوه نیز بسیاری از علائم در جای خود قرار نگرفته و نابه جا نوشته شده اند و علائمی که همراه با حرکات کشیده آمده اند، مکان ثابتی ندارند؛ به طور مثال: ضمه گاه روی صدای «او» و گاه قبل از آن قرار دارد و به همین صورت در کسره اشباع شده است.
 ۵. نسخه تلفیقی: در بعضی از نسخه ها، رسم الخط ها و شیوه ها تلفیق شده به صورت یک رسم الخط جدید به وجود آمده است؛ مانند: بعضی از رسم الخط هایی که در آن بعضی موارد، شیوه ایرانی با شیوه هندی پاکستانی یا مصری تلفیق شده است.
- نکته مهم اینکه وجود این شیوه ها در کنار هم است که باعث شده تا روش های آموزش و خوانی قرآن ناهماهنگ و نامتناسب باشند و یک روش، با همه سبک ها منطبق نگردد و حاصل کار آموزش، نتیجه بخش نباشد و اکثر مردم به ویژه دانش آموزان، در خواندن بسیاری از کلمات، دچار ابهام و تردید شوند و مسئله فراگیری قرآن بر آنها سخت و ثقیل جلوه کند و در خواندن آن، خود را ناتوان یابند. از طرفی دیگر به کارگیری علائم زینتی و سلیقه ای در خط قرآن نه تنها هیچ نقش مثبتی در آموزش و قرائت قرآن ندارند بلکه باعث ایجاد مشکلاتی می شوند. از جمله این مشکلات، شلوغی خط، تفاوت از حیث نگارشی، پراکندگی شیوه های آموزش و روخوانی، قاعده ناپذیری رسم الخط قرآن، وضع قواعد زائد و ناهماهنگ، تردید معلم و شاگرد در قرائت بسیاری از کلمات، طولانی شدن زمان آموزش قرآن و پیچیدگی آن، در واقع مهم ترین عامل چندگانگی و اختلاف در علامت گذاری خط قرآن مجید می باشد.

نتیجه و بیان رسم الخط پیشنهادی

باتوجه به ادله‌ها و شواهد تاریخی به‌دست آمده در حیطه نگارش و کتابت قرآن مجید، هیچ محدودیتی نه از جانب نبی اکرم ﷺ و نه از جانب خلفای اسلام مشاهده نشده است. به همین علت از صدر اسلام تاکنون جهت تسهیل در قرائت قرآن، اضافات و تغییراتی در کتابت قرآن، اعمال شده است. البته آنچه امروزه در اختیار داریم مخلوطی از رسم الخط‌های گذشته، نزدیک به رسم الخط عثمانی با قلم‌های متفاوت است. با استفاده از مستندات موجود می‌توان به این چند نکته اشاره نمود: نکته اول: به‌نظر می‌آید که مصحف النبوی ﷺ به رسم الخط قیاسی نگارش یافته است و یا اقلأً به آن بسیار نزدیک بوده است. نکته دوم: به‌طور یقین آن حضرت، علناً مردم عادی را به‌روش خاص در کتابت قرآن امر ننموده‌اند تا در مسیر ثبت و ضبط قرآن، با تکلف و دشواری مواجه نگردند. نکته سوم: بنابر آیه «و رتل القرآن ترتیلاً» بهترین گزینه در روخوانی قرآن، روش ترتیل است که البته ادای آن به یکی از لهجه‌های مرسوم عربی مجزی است.

در نتیجه با در نظر گرفتن نکات فوق می‌توان به مجوزهایی در حیطه کتابت و قرائت قرآن دست یافت که همین انگیزه‌ای می‌گردد تا از میان قرآن‌های موجود به تدوین کتابتی با رسم الخطی واحد، یا به استخراج رسم الخطی هم‌سان و یا قرین به رسم الخط مصحف النبوی ﷺ اقدام نمود. شبیه‌سازی کتابت امروزی قرآن به یکی از کتابت‌های متداول در عصر نبوی می‌تواند فراتر از دیگر روش‌های مقبول، ما را در آسان‌نویسی و بالطبع، در روان‌خوانی قرآن یاری نماید؛ زیرا نه تنها با علائم کمتری مواجه است بلکه قادر است همانند آینه قرائت قرآن را در پرتو کلمات، بازتاب و منعکس نماید؛ بنابراین هرچه کتابت ساده‌تر و دور از پیچیدگی باشد، یا از علائم و اعراب کمتری بهره برده باشد، قرائت و یادگیری آن نیز برای فراگیران به مراتب سهل‌تر خواهد شد.

در آغاز، چگونگی املا و نحوه به‌کارگیری حروف و اعراب (از حیث تشابه و تفاوت با رسم الخط‌های دیگر) در ترکیب کلمات، مختصراً بیان می‌گردد.

۱- حروف

در این شیوه همان ۲۸ حرف عربی به‌کاررفته و به دو بخش چهاروجهی و دووجهی تقسیم شده است: حروف چهاروجهی: این حروف متناسب با محل قرار گرفتنشان در کلمه به چهار شکل آغازی، میانی، پایانی و جدا، نوشته می‌شوند؛ مانند: حرف میم، در کلمات، مد، شمع، گلیم، کام. نکته: یای اعرابی برخلاف الف و واو اعرابی، به چهار وجه نوشته می‌شود (همانند یایی حرفی).



(NO.)، شماره	حروف آغازی Initial	حروف میانی Medial	حروف پایانی Final	حروف جدا Isolate	نقش حروف	Pronunciation
۱	ا	ا	ا	ا	اَ اِ اُ	Alif
۲	ب	ب	ب	ب	بَ بِ بُ	Ba-
۳	ت	ت	ت	ت	تَ تِ تُ	Ta-
۴	ث	ث	ث	ث	ثَ ثِ ثُ	Tha-
۵	ج	ج	ج	ج	جَ جِ جُ	Jeem
۶	ح	ح	ح	ح	حَ حِ حُ	Ha-
۷	خ	خ	خ	خ	خَ خِ خُ	Khaa.
۸	س	س	س	س	سَ سِ سُ	Seen
۹	ش	ش	ش	ش	شَ شِ شُ	Sheen
۱۰	ص	ص	ص	ص	صَ صِ صُ	S,aad
۱۱	ض	ض	ض	ض	ضَ ضِ ضُ	Z,aad
۱۲	ط	ط	ط	ط	طَ طِ طُ	T,aa.
۱۳	ظ	ظ	ظ	ظ	ظَ ظِ ظُ	Tha-
۱۴	ع	ع	ع	ع	عَ عِ عُ	A,in
۱۵	غ	غ	غ	غ	غَ غِ غُ	ghain
۱۶	ف	ف	ف	ف	فَ فِ فُ	Fa-
۱۷	ق	ق	ق	ق	قَ قِ قُ	Qaaf
۱۸	ک	ک	ک	ک	کَ کِ کُ	Ka-f
۱۹	ل	ل	ل	ل	لَ لِ لُ	La-m
۲۰	م	م	م	م	مَ مِ مُ	Meem
۲۱	ن	ن	ن	ن	نَ نِ نُ	Noon
۲۲	ه	ه	ه	ه	هَ هِ هُ	Ha-
۲۳	ی	ی	ی	ی	یَ یِ یُ	Ya-



حروف دووجهی: این حروف در کلمات، تنها به دو شکل پایانی و جدا، نوشته می‌شوند؛ مانند: حرف دال، در کلمات سعید، معاد (در این قسم، دو شکل میانی و آغازی وجود ندارد).
نکته: الف اعرابی از حیث نوشتاری برخلاف الف حرفی دووجهی است در صورتی که واو اعرابی همانند واو حرفی به دو وجه نوشته می‌شود؛ مانند: الف اعرابی در کلمات براق، لسان (الف جدا و الف آخر).

نمارة (NO.)	حروف آغازی Initial	حروف میانی Medial	حروف پایانی Final	حروف جدا Isolate	تلفظ Pronunciation
۱	*	*	د	د	دَال Da-l
۲	*	*	ذ	ذ	ذَال Z:a-l
۳	*	*	ر	ر	رَأَ Raa.
۴	*	*	ز	ز	زَاى Za-i
۵	*	*	و	و	وَاو WaaW

در این جدول حروف غیر مستعمل به وسیله ستاره (*) نشان داده شده است.

ترکیب حروف

حروف عربی در نوشتار کلمات، از حیث پیوستگی و گسستگی در مقایسه با دیگر رسم الخطها، من جمله لاتین که در اصل گسسته و در سنسکریت، همیشه پیوسته است، به هر دو صورت نوشته می‌شود؛ یعنی هم پیوستگی دارد و هم گسستگی. در واقع این حروف هستند که مشخص می‌کنند چه موقعی باید پیوسته و چه زمانی باید گسسته نوشت و یا چه هنگام، باید در یک کلمه ترکیبی از هر دو را به کار بست. به عبارتی چنانچه کلمه‌ای، از حروف چهاروجهی تشکیل یافته باشد الزاماً تمامی آن حروف باید به صورت پیوسته نوشته شوند، در غیر این صورت، چنانچه کلمه از حروف دووجهی ترکیب یابد حتماً حروف آن باید از هم جدا نوشته شوند و اگر ترکیبات و چینش حروف، با ویژگی‌های هر دو وجه باشد لازم می‌آید به یکی از سه حالت پیوسته، گسسته و مرکب (پیوسته و گسسته)، نوشته شود.
به طور مثال:



۱. ویژگی پیوستگی حروف چهاروجهی (و اعراب یای) مانند: جعل، شعیب، سيعلم، محسنين.
۲. ویژگی گسستگی حروف دووجهی (و اعراب الف، واو) مانند: دور، ورود، داوود.
۳. ویژگی ترکیب حروف چهاروجهی با حروف دووجهی (و اعراب الف، واو، یای) مانند: مد، جان، وحوش، تمديد، مفسدين، سيقولون، تستبدلون.

باتوجه به حالت‌های فوق، چنانچه کلمات و یا تکواژها در کنار هم قرار گیرند و تشکیل یک گروه یا یک جمله را بدهند در صورتی که تمامی حروف آنها از حروف چهاروجهی باشند باید در آغوش هم نوشته شوند یعنی به صورت پیوسته به نگارش درآیند در غیر این صورت باید در کنار هم نوشته شوند؛ مانند: فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ (سورة بقره آیه ۱۳۷، در رسم الخط قیاسی این گونه نوشته می‌شود: فَسَيَكْفِيكَهُمُ لَآلَهِ).

ادغام

گاه بعضی از حروف به محض نزدیک شدن با حروف دیگر، هم‌سان آن شده با هم ادغام می‌شوند؛ مانند: عَن مَّاءٍ = عَم مَّاءٍ = عَمَّا (حیبی و دیگران، ۱۳۷۳: ۸۴؛ موسوی بلده، ۱۳۷۱: ۲۳) مِنْ مَّاءٍ = مِمَّاءٍ = مِمَّا؛ (همان، سورة بقره آیه ۳ و آیات دیگر).

بنابراین می‌توان دیگر کلمات مشابه را نیز این گونه نوشت:

مَنْ يَعْمَلْ = مَيَّعْمَلْ = مَيَّعَمَلْ؛ مَنْ رَبَّكَ = مَرَّ رَبَّكَ = مَرَّيْكَ؛ مَنْ وُلِدَ = مَوُّ وُلِدَ = مَوْلِدْ؛
 رَزَقًا لَكُمْ (رَزَقْن لَكُمْ) = رَزَقْل لَكُمْ = رَزَقْلَكُمْ؛ لَيْلَهُ مُبَارَكَهُ (لَيْلَتُنْ مُبَارَكَهُ) = لَيْلَتُم مُبَارَكَهُ =
 لَيْلَتُمُبَارَكَهُ؛

قُلْ رَبِّ = قُرْ رَبِّ = قُرْبِ (ادغام متقاربین: زمانی رخ می‌دهد که حروف یا مخرجشان نزدیک به هم باشد و یا در بیشتر صفات متحد باشند. (حیبی و دیگران، ۱۳۷۳: ۸۵). نَخْلُكُمْ = نَخْلُكْ كُمْ = نَخْلُكُمْ؛ عَبْدُكُمْ = عَبْتُكُمْ = عَبْتُمْ؛ (ادغام متجانسین: زمانی که دو حرف هم‌مخرج کنار یکدیگر واقع شوند، خواه در یک کلمه و خواه در دو کلمه، ادغام آنها لازم می‌آید (همان: ۸۶-۸۵).

أُحْيَيْتْ دَعْوَتُكُمَا = أُحْيَيْتْ دَعْوَتُكُمَا؛ قَالَتْ طَائِفَةٌ = قَالَتْ طَائِفَةٌ؛ قَالَتْ طَائِفَةٌ = قَالَتْ طَائِفَةٌ؛
 إِذْ ظَلَمُوا = إِظْلَمُوا = يَلْهَثْ ذَلِكَ = يَلْهَثْ ذَلِكَ؛ إِذْ كَبَّ مَعَنَا = إِزْكَمَّ مَعَنَا؛

۱. سورة سباء آیه ۲۵ (و آیات دیگر)، ادغام: در لغت به معنای داخل نمودن می‌باشد و در اصطلاح عبارت است از داخل کردن حرفی در حرف دیگر است به‌طوری‌که حرف اول تلفظ نشده و به جای آن حرف دوم مشدد ادا شود. معمولاً این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که پس از نون ساکنه یا نون تنوین یکی از حروف یرملون (ی، ر، م، ل و ن) واقع شود.



اقلاب

گاه بعضی از حروف به محض نزدیک شدن با حروف دیگر، به حروف غیرهم سان تبدیل می شوند. مِنْ بَعْدِ = مِمَّ بَعْدِ = مِمَّبَعْدِ؛ اَمِنْهُمْ = اَمِنْهُمْ؛ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ = بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ (چنانچه نون ساکنه یا نون تنوین پیش از حرف باء واقع گردد به میم ساکن تبدیل می شود (یعنی اقلاب، به معنای تبدیل نمودن صورت می گیرد).

۲- اعراب

در حقیقت، علائم و نشانه های اعراب، به بیان چگونگی حالت های لب هنگام تلفظ حروف به همراه تعیین مقدار کشش و میزان حرکت صدای حروف می پردازد.

۱-۲. ساکن: ° در این علامت حروف کامل و واضح تلفظ می گردد، اما کشش صوتی حروف کوتاه تر از فتحه می باشد. به عبارتی در این حالت، صدای حروف با فشار از دهان خارج شده به مقدار نصف فتحه، یا یک هشتم ضرب (چنگ) در موسیقی، ادا می گردد؛ مانند: میم ساکن در کلمه مُحَمَّد (محمّد).

۲-۲. ساکن مد تام ° : این علامت در واقع همان ساکن است ولی مقدار کشش صدای حرف ساکن، بیشتر است یعنی به میزان دو فتحه، یا دوچهارم ضرب (سفید) در موسیقی ادا می شود؛ مانند: حرف نون اول در کلمه نُنْ (ان) و یا حرف میم وسط در کلمه مِمَّمَا (مِمَّ).

۳-۲. ساکن مد ناقص ° : این علامت همانند ساکن مد تام، است با این تفاوت که حروف به جای اظهار به صورت اخفا (غنه) تلفظ می شوند؛ مانند: حرف نون در کلمه مِنْ قَبْلِ و یا حرف نون اول در نِسَان (انسان).

۴-۲. فتحه (ـَ): در این علامت، لب ها باز و حالت لبخند دارند. البته هنگام تلفظ حروف، صدا به سمت بالا امتداد پیدا می کند. در این حالت میزان کشش حروف به مقدار یک دست زدن، یا حدود یک ثانیه و یا دقیق تر می توان گفت برابر با یک چهارم ضرب (سیاه) در موسیقی است. این علامت از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا شاخص و کلید اصلی در بیان سنجش و میزان حرکت ها در اعراب است.

۵-۲. کسره: در این حرکت، میزان کشش صدا برابر با فتحه است، با این تفاوت که صدای حروف به جای بالا، به سمت پایین و زیر امتداد پیدا می کنند.

۶-۲. ضمه: در این علامت لب ها باید به شکل غنچه و گرد درآیند، میزان کشش و حرکت حروف در این علامت نیز برابر با یک فتحه است.



۷-۲. الف اعرابی (ا): این علامت همانند فتحه عمل می‌کند با این تفاوت که کشش صدا در حروف به میزان دو فتحه یا دو چهارم ضرب (سفید) در موسیقی افزایش پیدا می‌کند.

۸-۲. یاء اعرابی (ی): این علامت همانند کسره عمل می‌کند اما کشش و حرکت صدا در حروف برابر با الف اعرابی (دو فتحه) است.

۹-۲. واو اعرابی (و): این علامت همانند ضمه عمل می‌کند اما در حرکت و کشش صدای حروف برابر با الف اعرابی (دو فتحه) است.

۱۰-۲. الف مد اعرابی (ا): این علامت همانند فتحه عمل می‌کند با این تفاوت که حرکت و کشش صدا در حروف، به میزان چهار فتحه یا چهارچهارم ضرب (گرد) در موسیقی افزایش می‌یابد. بیشتر علمای فن در مقدار کشش مد، باتوجه به اختلافات، در عدد ۴ اشتراک نظر دارند لذا مقدار کشش و حرکت مد برابر ۴ فتحه یا ۴ حرکت منظور گردیده است. (حبیبی و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۰۰-۹۶).

۱۱-۲. یاء مد اعرابی (ی): این علامت همانند کسره عمل می‌کند اما در کشش و حرکت صدای حروف برابر با الف مد اعرابی (چهار فتحه) است.

۱۲-۲. واو مد اعرابی (و): این علامت همانند ضمه عمل می‌کند اما در کشش و حرکت صدای حروف برابر با الف مد اعرابی (چهار فتحه) است.

در این شیوه، چون کلمات در اشکال گویشی خود، یعنی به رسم الخط قیاسی نوشته می‌شوند لذا از دیگر علامات و اعراب مستغنی هستند، بنابراین کلمات به جای علامت تنوین، حرف نون و حالت‌های دیگر به صورت ادغام، اظهار، اقلاب، اخفاء، ابدال و... نوشته می‌شوند. به طور مثال: مَنْ يَعْمَلْ، نوشته می‌شود: مَنْ يَعْمَلْ - مِنْ رَبِّهِمْ، نوشته می‌شود: مِنْ رَبِّهِمْ - عَالِمٌ، نوشته می‌شود: عَالِمٌ - جُرْفِ هَار، نوشته می‌شود: جُرْفِ هَار - عَنْ مَا، نوشته می‌شود: عَمَّا - رَوْحٍ يَهِيْجُ، نوشته می‌شود: رَوْحٍ يَهِيْجُ - عَبَدْتُمْ، نوشته می‌شود، عَبَدْتُمْ - اِنْ كُنْتُمْ، نوشته می‌شود، اِنْ كُنْتُمْ و غیره.

مد و اقسام آن

حبیبی در کتاب خود، مد و اقسام آن را مفصلاً شرح داده و می‌نویسد:

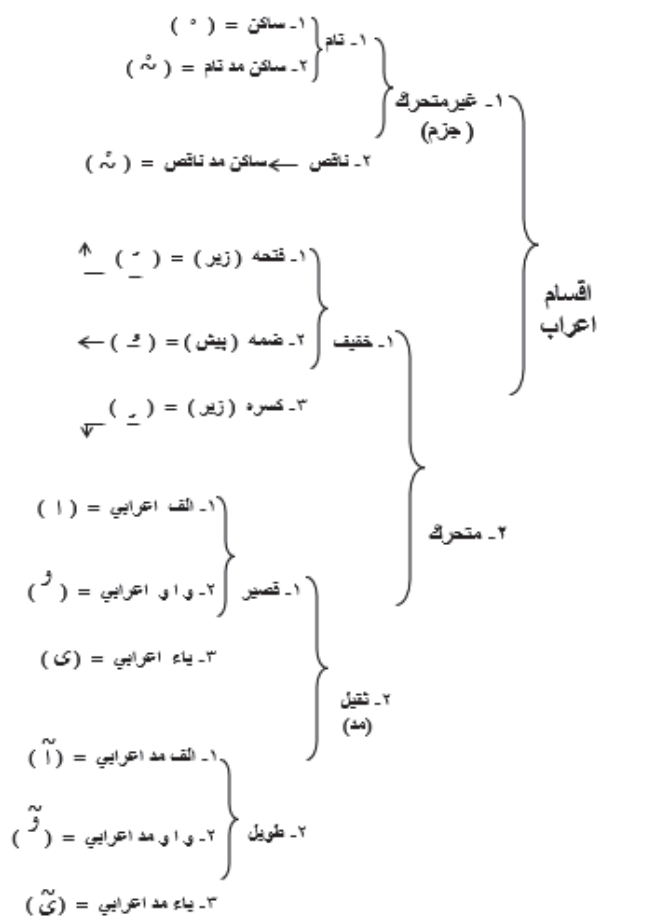
مدّ، در لغت به معنای زیادت و افزون می‌باشد و در تجوید عبارت است از امتداد صوت در حروف مدّی بیش از مقدار طبیعی.

قصر، در لغت به معنای کوتاهی و ضدّ مدّ می‌باشد و در تجوید عبارت است از ادای حروف مدّی به اندازه طبیعی و معمولی آن.



حروف و سبب مدّ: مدّ، از دو جزء یعنی حروف مدّ و سبب مدّ تشکیل شده است. حروف مدّ: عبارت است از الف ساکن ماقبل مفتوح، یاء ساکن ماقبل مکسور، واو ساکن ماقبل مضموم. سبب مدّ: عبارت است از همزه و سکون، تشدید هم به خاطر آنکه یک حرف ساکن در آن نهفته است، سبب مدّ به حساب می‌آید. چنانچه حروف مدّی، بدون سبب باشد یعنی بعد از آن همزه یا سکون نباشد، مدّ ذاتی نام دارد و به میزان دو حرکت که حداقل کشش حروف مدّی است، کشیده می‌شود؛ مانند: اُتونی - اُودینا - نُوحیها کشش صوت در حروف مدّی به میزان دو حرکت را قصر و سه حرکت را فوق قصر و چهار حرکت را توسط و پنج حرکت را فوق توسط و شش حرکت را طول می‌نامند. مقدار مدّ از دو حرکت کمتر نبوده و از شش حرکت نیز بیشتر نمی‌باشد.

جدول اعراب و نشانه‌ها:



محاسبه ی مقدار کشش و حرکت اعراب:

$$\begin{aligned} (\sim) \times (\dot{\sim}) &= (\ddot{\sim}) \Rightarrow (\dot{\sim}) \times (\dot{\sim}) = (\ddot{\sim}) \\ (\dot{\sim}) \times (\dot{\sim}) &= (\ddot{\sim}) \Rightarrow (\dot{\sim}) \times (\dot{\sim}) = (\ddot{\sim}) \\ (\dot{\sim}) \times (\dot{\sim}) &= (\ddot{\sim}) \Rightarrow (\dot{\sim}) \times (\dot{\sim}) = (\ddot{\sim}) \end{aligned}$$

تطابق اعراب، یا نث موسیقی: (ملاک و میزان مستجش، علامت فتحه می باشد، که مساوی با یک حرکت است)

$$۱- \left\{ (\dot{\sim}) = \left(\frac{1}{5} \right) \right\} \Rightarrow \left\{ (\dot{\sim}) \right\} = \frac{1}{5} \Rightarrow \left\{ (\dot{\sim}) + \text{م} = \ddot{\sim} \right\}$$

$$۲- \left\{ (\dot{\sim}) = \left(\frac{1}{5} \right) \right\} \Rightarrow \left\{ \begin{matrix} (\dot{\sim}) \\ (\dot{\sim}) \\ (\dot{\sim}) \end{matrix} \right\} = ۱ \Rightarrow \left\{ \begin{matrix} (\dot{\sim}) + \text{م} = \ddot{\sim} \\ (\dot{\sim}) + \text{م} = \ddot{\sim} \\ (\dot{\sim}) + \text{م} = \ddot{\sim} \end{matrix} \right\}$$

$$۳- \left\{ (\dot{\sim}) = \left(\frac{1}{5} \right) \right\} \Rightarrow \left\{ \begin{matrix} (\sim) \times (\dot{\sim}) \\ (\sim) \times (\dot{\sim}) \end{matrix} \right\} = ۴ \times \left(\frac{1}{5} \right) = ۲ \Rightarrow \left\{ \begin{matrix} \ddot{\sim} \\ \ddot{\sim} \\ \ddot{\sim} \\ \ddot{\sim} \end{matrix} \right\}$$

$$\Rightarrow \left\{ \begin{matrix} ۱ \times (\dot{\sim}) \\ ۲ \times (\dot{\sim}) \\ ۳ \times (\dot{\sim}) \end{matrix} \right\} = ۲ \times ۱ = ۲ \Rightarrow \left\{ \begin{matrix} \text{م} + \text{م} = \ddot{\sim} \\ \text{م} + \text{م} = \ddot{\sim} \\ \text{م} + \text{م} = \ddot{\sim} \end{matrix} \right\}$$

$$۴- \left\{ (\dot{\sim}) = \left(\frac{1}{5} \right) \right\} \Rightarrow \left\{ \begin{matrix} \ddot{\sim} \times (\dot{\sim}) \\ \ddot{\sim} \times (\dot{\sim}) \\ \ddot{\sim} \times (\dot{\sim}) \end{matrix} \right\} = ۴ \times ۱ = ۴ \Rightarrow \left\{ \begin{matrix} \text{م} + \text{م} = \ddot{\sim} \\ \text{م} + \text{م} = \ddot{\sim} \\ \text{م} + \text{م} = \ddot{\sim} \\ \text{م} + \text{م} = \ddot{\sim} \end{matrix} \right\}$$





فهرست منابع

۱. ابن جزری شمس‌الدین ابوالخیر، محمد بن محمد الدمشقی، النشر فی القرائات العشر، بی‌جا، المطبعة التجارية الكبرى، ۲۰۰۹م.
۲. ابن جزی الکلبی، ابوالقاسم محمد بن عبدالله الغرطانی، التسهيل لعلوم التنزيل، دکتر عبدالله الخالدي، بیروت: شركة دارالرقم بن ابي الارقم: طبع اول، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن قتيبة دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، ادب الكاتب، محمد دانی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. اعتماد مقدم علیقلی، تاریخ خط حرفی در جهان و ایران، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۴ش.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، محمود بن جعفر موسوی زرنندی، تهران: ۱۳۳۴ش.
۷. بلاغی، محمدجواد بن حسن نجفی، آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن، بیروت: احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله بن حمدویه، المستدرک علی الصحیحین، یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بیروت: دارالمعرفة، بی‌تا.
۹. حبیبی شیخ علی، رسم و ضبط قرآن کریم، قم: مصطفی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶ش.
۱۰. حبیبی شیخ علی و دیگران، روان خوانی و تجوید قرآن کریم، قم: انتشارات قدس، ۱۳۷۳ش.
۱۱. حجتی کرمانی، سید محمداقبر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی خرمشاهی، تهران: دوستان ناهید، ۱۳۷۷ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، المفردات فی غریب القرآن، قم: دفتر نشر الكتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز قرآن و بلاغت محمد ﷺ، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۱)،
۱۵. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۴۶ش.
۱۶. زرقانی محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی‌جا، الحلبي و شرکاء، چاپ سوم، ۱۹۴۳م.



۱۷. زنجانی ابوعبدالله، تاریخ القرآن، تهران: منظمة الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر، الاتقان فی علوم القرآن، قاهره، بی‌نا، ۱۳۶۰ق.
۱۹. شهید ثانی، زین‌الدین علی عاملی، منیه المريد فی آداب المفید و المستفید، رضا مختاری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۲۰. غانم قدوری الحمد، ترجمه: رسم الخط مصحف، یعقوب جعفری، مرکز ترجمه قرآن مجید، قم: اسوه، ۱۳۷۶ش.
۲۱. غانم قدوری، الحمد، رسم الخط مصحف، یعقوب جعفری، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه و انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ش.
۲۲. مرزبانی، مصیب، «منشأ اختلاف خط واژگان همسان قرآن در قرائات ده‌گانه»، فصلنامه حسنا، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۳۹۵ش.
۲۳. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین بن قاضی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق: محمود عمر دمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
۲۴. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، الطبعة الثانية، ۱۹۸۸م.
۲۵. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، قم: موسسه فرهنگی التمهید، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۲۶. موسوی بلده، سیدمحسن، حلیة القرآن سطح ۱، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳ش.

References

1. Bahrani, Hashim bin Suleiman, *al-Burhan fi Tafsir al-Quran*, Mahmoud bin Jafar Mousavi Zarandi, Tehran: 1955.
2. Balaghi, Muhammad Javad bin Hassan Najafi, *Alaa al-Rahman fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
3. Etemad Muqaddam Aliquli, *History of Orthography in the World and Iran*, N.p.: n.p., 1965.
4. Ghanam Qaduri al-Hamd, Translation: *Orthography of Quran*, Yaqub Jafari, Majid Quran Translation Center, Qom: Uswa, 1997.
5. Ghanam Qaduri, Al-Hamd, *Orthography of Quran*, Yaqub Jafari, Tehran: Awqaf and Charitable Affairs Organization and Uswa Publications, 2003.
6. Habibi Sheikh Ali et al., *Reading and Reciting the Holy Quran*, Qom: Quds Publications, 1994.
7. Habibi Sheikh Ali, *Orthography and Recording of the Holy Quran*, Qom: Mustafa, 14th Edition, 2007.
8. Hakim Nishaburi, Muhammad bin Abdullah bin Hamdawayh, *al-Mustadrak A'la al-Sahihayn*, Yusuf Abdulrahman al-Mara'shli, Beirut: Dar al-Ma'refah, n.d.
9. Hojjati Kermani, Seyyed Muhammad Baqir, *A Study of the History of the Holy Quran*, Tehran: Islamic Farhang Publications, 2000.
10. Ibn Jazari, Shams al-Din Abu al-Khair, Muhammad bin Muhammad al-Damashqi, *Al-Nashar Fi al-Qara'at al-Ashhar*, N.p.: al-Mutba'h al-Tijariyyah al-Kubra, 2009.
11. Ibn Jazzi al-Kalabi, Abul-Qasim Muhammad bin Abdullah al-Ghartani, *Al-Tashil li Uloom al-Tanzil (Quranic Sciences: Made Easy)*, Dr. Abdullah al-Khaldi, Beirut: Dar al-Raqam Bin Abi Al-Arqam Company: 1st Edition, 1416 AH.
12. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Beirut: Dar Sader, 3rd Edition, 1414 AH.
13. Ibn Qutaybah Dinawari, Abu Muhammad Abdallah bin Muslim, *Adab al-Katib (Literature of Quran)*, Muhammad Dani, Beirut: Al-Risalah Institute, 1420 AH.
14. Khorramshahi, Bahauddin, *Khorramshahi Encyclopedia of Quran and Quranic Studies*, Tehran: Nahid Dostan, 1998.
15. Ma'rafet, Muhammad Hadi, *History of the Quran*, Qom: Al-Tamhid Cultural Institute, 4th Edition, 2013.
16. Marzbani, Musayyib, "The Origin of Differences in Lines of Similar Words of the Quran in Ten Readings", Hasna Quarterly, Year 8, Number 31, 2015.
17. Mottaqi Hindi, Alauddin Ali bin Hussamuddin bin Qazi, *Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal (Treasures of the Doers of Good Speaks and Deeds)*, Research: Mahmoud Omar Damiati, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d..
18. Mousavi Baladah, Seyyed Mohsen, *Haliya al-Quran Level 1*, Qom: The Islamic Propaganda Organization, 14th Edition, 1994.
19. Muhaddith Nouri, Mirza Hossein, *Mustardak al-Wasail*, Qom: Muassasah Alul-Bayt (AS) li Ihya al-Turath (Alul-Bayt Foundation for Revival of Islamic Heritage), 2nd Edition, 1988.
20. Rafei, Mustafa Sadiq, *Miracles of the Quran and Muhammad's Eloquence*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1421 AH.
21. Raghib Isfahani, Hossein bin Muhammad bin Mufadhdhal, *Al-Mufardat fi Gharib al-Quran (Dictionary of Quranic Words)*, Qom: Book Publications, 2nd Edition, 1404 AH.
22. Ramyar, Mahmoud, *History of the Quran*, Tehran: Amir Kabir Publications, 1st Edition, 1967.
23. Shahid Thani, Zainuddin Ali Ameli, *Munyah al-Murid fi Adaab al-Mufid and al-Mustafid (The Etiquettes of Teacher and Students)*, Reza Mukhtari, Qom: Maktab al-I'lam al-Islami, 1409 AH.
24. Suyuti, Jalaluddin Abd al-Rahman bin Abi Bakr, *Al-Itqan fi Ulum al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran)*, Cairo, n.p., 1360 AH.
25. Zanjani Abu Abdullah, *History of the Quran*, Tehran: Organization of Islamic Information, 1st Edition, 1404 AH.
26. Zarqani Muhammad Abdul Azeem, *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (The Sources of Knowledge in Quranic Sciences)*, N.p.: Al-Halabi and Partners, 3rd Edition, 1943.